

در جزیره ملیطه

^١ وَلَمَّا نَجَوا وَجَدُوا أَنَّ الْجَزِيرَةَ نُدْعَى مَلِيطَةً، فَقَدَمَ أَهْلُهَا التَّرَابِرَةُ لَهَا إِخْسَانًا عَيْرَ الْمُعْدَارِ لِأَنَّهُمْ أَوْفَدُوا تَارِاً وَقَبِيلُوا جَمِيعَتَا مِنْ أَجْلِ الْمَطَرِ الَّذِي أَصَابَتَا وَمِنْ أَجْلِ الْبَرْدِ.

^٢ وَجَمِيعُ بُولُسُ كَثِيرًا مِنَ الْفُصْبَانِ وَوَصَعَهَا عَلَى التَّارِ قَبَرَجَثُ مِنَ الْحَرَازَةِ أَغْفَى وَتَشَبَّثُ فِي يَدِهِ، فَلَمَّا رَأَى الْتَّرَابِرَةَ الْوَحْشَ مُعْلَقاً بِيَدِهِ قَالَ بَعْصُهُمْ لِيَعْصُمْ: لَا بُدَّ أَنَّ هَذَا الْإِنْسَانَ قَاتِلٌ لَمَّا يَدْعُهُ الْعَدُولُ يَحْيَا وَلَوْ تَجَأَ مِنَ الْبَرِّ، فَقَعَضَ هُوَ الْوَحْشُ إِلَى التَّارِ وَلَمْ يَصْرُرْ يَسْيَيْرَ رَدِيَيْرَ، وَأَمَّا هُمْ فَكَانُوا يَسْتَطِرُونَ اللَّهَ عَيْتَدْ أَنْ يَسْتَعْفَ أَوْ يَسْقُطَ بَعْتَهَ مَيْتَاً، فَإِذَا شَطَرُوا كَثِيرًا وَرَأَوْا اللَّهَ لَمْ يَغْرِضْ لَهُ شَيْءٌ مُصْرُّ تَعْيِرُوا وَقَالُوا: هُوَ إِلَهٌ.

^٣ وَكَانَ فِي مَا حَوْلَ ذَلِكَ الْمَوْضِعِ صِيَاعٌ لِمُقَدَّمِ الْجَزِيرَةِ الَّذِي اسْمُهُ بُوبِيلِيوسُ، فَهَذَا قَبِيلَتَا وَأَصَافَاتَا بِمَلَاطِفَةِ تَلَاهَةِ أَيَّامٍ، فَحَدَّثَ أَنَّ أَبَا بُوبِيلِيوسَ كَانَ مُصْطَدِّجاً مُعْتَرِيَ بِحُمَّى وَسَخْجَ، فَدَخَلَ إِلَيْهِ بُولُسُ وَصَلَّى وَوَصَعَ بَدِيهِ عَلَيْهِ فَسَقَاهُ، فَلَمَّا صَارَ هَذَا كَانَ الْتَّاقُونَ الَّذِينَ يَهُمْ أَمْرَاضُ فِي الْجَزِيرَةِ يَأْتُونَ وَيُسْقَفُونَ، فَأَكْرَمَتَا هُوَلَاءِ إِكْرَامَاتٍ كَثِيرَةً، وَلَمَّا أَفْلَغُنا رَوْدُونَا بِمَا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ.

الإِبْهَارُ نَحْوَ رُومَا

^٤ وَبَعْدَ تَلَاهَةِ أَشْهُرٍ أَفْلَغْنَا فِي سَفِيَّةِ إِسْكَنْدَرِيَّةِ مَوْسُومَةً يَعْلَمَةَ الْجَوْرَاءِ كَائِنَ قَدْ شَتَّ في الْجَزِيرَةِ، فَتَرَلَتَا إِلَى سِيرَاكُوسَ وَمَكَنَتَا تَلَاهَةَ أَيَّامٍ، ثُمَّ مِنْ هُنَاكَ دُرَّاً وَأَقْبَلَا إِلَى رِيفِيُونَ، وَبَعْدَ يَوْمٍ وَاحِدٍ حَدَّثَتِ رِيْخُ جَنُوبٍ فَجِئْنَا فِي الْيَوْمِ التَّالِي إِلَيْهِ بُوطِيلِيَّةَ حَيْثُ وَجَدْنَا إِحْرَوَةَ قَطْلُبُوا إِلَيْنا أَنَّ تَمْكَثَ عِنْدَهُمْ سَبْعَةَ أَيَّامٍ، وَهَكَذَا أَيَّيَا إِلَى رُومِيَّةَ، وَمِنْ هُنَاكَ لَمَّا سَمِعَ الْأَخْرَوَةَ بِخَتْرَنَا خَرَجُوا لِاسْتِقْبَالِتَا إِلَى قُورُنَ آيِّيُوسَ وَاللَّاهَةَ الْحَوَانِيَّتِ، فَلَمَّا رَأَهُمْ بُولُسُ شَكَرَ اللَّهَ وَتَسَجَّحَ.

^٥ وَلَمَّا أَتَيَا إِلَى رُومِيَّةَ سَلَّمُ فَائِدُ الْمِئَةِ الْأَسْرَى إِلَى رَئِيسِ الْمُعْسِكَرِ، وَأَمَّا بُولُسُ فَأَذَنَ اللَّهُ أَنْ يُقِيمَ وَحْدَهُ مَعَ الْعَسْكَرِيِّ الَّذِي كَانَ يَحْرُسُهُ.

الرَّسُولُ بُولُسُ فِي رُومَا

^٦ وَبَعْدَ تَلَاهَةِ أَيَّامٍ اسْتَدَعَ بُولُسُ الَّذِينَ كَانُوا وَجُوهَ الْبَهُودِ، فَلَمَّا اجْتَمَعُوا قَالَ لَهُمْ: أَيُّهَا الرِّجَالُ الْأَخْرَوَةُ، مَعَ أَنِّي لَمْ أَفْعَلْ شَيْئاً صَدَ السَّعْبِ أَوْ عَوَادِ الْأَبَاءِ، أَسْلَمْتُ مُقْبَدِاً مِنْ أُورْشَلِيمَ إِلَى أَيْدِي الْرُّومَانِيَّنِ الَّذِينَ لَهَا فَحَصُّوا كَانُوا يُرِيدُونَ أَنْ يُطْلِقُونِي لَأَنَّهُ لَمْ تَكُنْ فِي عِلْمٍ

^٧ چون پُولس مقداری هیزم فراهم کرده، بر آتش مینهاد، به سبب حرارت، افعیای بیرون آمده، بر دستش چسپید. چون بیربریان جانور را از دستش آویخته دیدند، با یکدیگر میگفتند: بلاشک این شخص، خونی است که با اینکه از دریا رست، عدل نمیگذارد که زیست کند. اما آن جانور را در آتش افکنده، هیچ ضرر نیافت. پس منتظر بودند که او آماس کند یا بغنة افتاده، بمیرد. ولی چون انتظار بسیار کشیدند و دیدند که هیچ ضرری بد و نرسید، برگشته گفتند: که خدای است.

^٨ و در آن نواحی، املاک رئیس جزیره که بوبیلوس نام داشت بود که او ما را به خانه خود طلبیده، سه روز به مهربانی مهمانی نمود. از قضا پدر پوبیلوس را رنج تب و اسهال عارض شده، خفته بود. پس پولس نزد وی آمده و دعا کرده و دست بر او گذارد، او را شفا داد. و چون این امر واقع شد، سایر مریضانی که در جزیره بودند آمده، شفا یافتند.^٩ و ایشان ما را اکرام بسیار نمودند و چون روانه میشدیم، آنچه لازم بود برای ما حاضر ساختند.

رسیدن پُولس به روم

^{١١} و بعد از سه ماه به کشتی إسکندریه که علامت جوزا داشت و زمستان را در جزیره بسر برده بود، سوار شدیم. و به سرآکوس فرود آمد، سه روز توقف نمودیم. و از آنجا دور زده، به ریغیون رسیدیم و بعد از یک روز باد جنوبی وزیده، روز دوم وارد پوطیولی شدیم.^{١٤} و در آنجا برادران یافته، حسب خواهش ایشان هفت روز ماندیم و همچنین به روم آمدیم.^{١٥} و برادران آنجا چون از احوال ما مطلع شدند، به استقبال ما بیرون آمدند تا قورن آییوس و سهدگان. و پولس چون ایشان را دید، خدا را شکر نموده، قوی دل گشت.

^{١٦} و چون به روم رسیدیم، یوزباشی زندانیان را به سردار افواج خاصه سپرد. اما پولس را اجازت دادند که با یک سپاهی که محافظت او میکرد، در منزل خود بماند.

پولس در روم

¹⁷

و بعد از سه روز، پولس بزرگان یهود را طلبید و چون جمع شدند به ایشان گفت: ای برادران عزیز، با وجودی که من هیچ عملی خلاف قوم و رسوم اجداد نکرده بودم، همانا مرا دراورشلیم بسته، به دستهای رومیان سپرندند. ایشان بعد از تفحص چون در من هیچ علت قتل نیافتند، اراده کردند که مرا رها کنند. ¹⁸ ولی چون یهود مخالفت نمودند، ناچار شده به قیصر رفع دعوی کردم، نه تا آنکه از امت خود شکایت کنم. ¹⁹ اکنون بدین جهت خواستم شما را ملاقات کنم و سخن گوییم زیرا که بجهت امید اسرائیل، بدین زنجیر بسته شدم. ²⁰ وی را گفتند: ما هیچ نوشته در حق تو از یهودیه نیافته‌ایم و نه کسی از برادرانی که از آنجا آمدند، خبری یا سخن بدی درباره تو گفته است. ²¹ لیکن مصلحت دانستیم از تو مقصود تو را بشنویم زیرا ما را معلوم است که این فرقه را در هر جا بد می‌گویند.

²²

پس چون روزی برای وی معین کردند، بسیاری نزد او به منزلش آمدند که برای ایشان به ملکوت خدا شهادت داده، شرح می‌نمود و از تورات موسی و انبیا از صبح تا شام درباره عیسی اقامه حجت می‌کرد. ²³ پس بعضی به سخنان او ایمان آورند و بعضی ایمان نیاورندند. ²⁴ و چون با یکدیگر معارضه می‌کردند، از او جدا شدند بعد از آنکه پولس این یک سخن را گفته بود که روح القدس به وساطت اسْعیَاء نبی به اجداد ما نیکو خطاب کرده، ²⁵ گفته است که: نزد این قوم رفته بدهیشان بگو به، گوش خواهید شنید و خواهید فهمید و نظر کرده خواهید نگریست و خواهید دید؛ ²⁶ زیرا دل این قوم غلیظ شده و به گوشها سنگین می‌شنوند و چشمان خود را بر هم نهاده‌اند، مبادا به چشمان بینند و به گوشها بشنوند و به دل بفهمند و بازگشت کنند تا ایشان را شفا بخشم. ²⁷ پس بر شما معلوم باد که نجات خدا نزد امت‌ها فرستاده می‌شود و ایشان خواهد شنید. ²⁸ چون این را گفت یهودیان رفتدند و با یکدیگر می‌اخته بسیار می‌کردند.

²⁹

اماً پولس دو سال تمام در خانه اجاره‌ای خود ساکن بود و هر که به نزد وی می‌آمد، می‌پذیرفت. ³⁰ و به ملکوت خدا موعظه می‌نمود و با کمال دلیری در امور عیسی مسیح خداوند بدون ممانعت تعلیم می‌داد.

³¹

وَاحِدَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ. وَلَكِنْ لَمَّا قَاتَمَ الْيَهُودُ اضْطُرِرَتْ أَنْ أَرْفَعَ دُعْوَاهُ إِلَى قَيْصَرَ، لَيْسَ كَأَنَّ لِي سَيِّئًا لِّأَسْكَنَكِي يَهُوَ عَلَى أَمْقَتِي. فَلَهُدَا السَّبِيلِ طَلَبْتُكُمْ لِأَرْأُكُمْ وَأَكْلَمْكُمْ لِأَنِّي مِنْ أَجْلِ رَجَاءِ إِسْرَائِيلِ مُؤْتَقِنٌ بِهَذِهِ السَّلِيلَةِ، فَقَالُوا لَهُ: تَحْنُ لَمْ تَقْبِلْ كَيْتَابَنِ فِيكَ مِنَ الْيَهُودِيَّةِ وَلَا أَحَدٌ مِنَ الْإِخْرَاجِ حَاءَ فَأَخْبَرَتَا أَوْ تَكَلَّمَ عَنْكَ بِشَيْءٍ زَرِيٍّ. وَلَكِنَّا نَسْتَسْخِسُ أَنْ نَسْمَعَ مِنْكَ مَادَا تَرَى لِأَنَّهُ مَعْلُومٌ عِنْدَنَا مِنْ جِهَةِ هَذَا الْمَدْهُبِ أَنَّهُ يُقَاتَمُ فِي كُلِّ مَكَانٍ.

²³ قَعَدُوا لَهُ يَوْمًا فَجَاءَ إِلَيْهِ كَثِيرُونَ إِلَى الْمَنْزِلِ، فَطَفَقَ يَسْرَخُ لَهُمْ شَاهِدًا بِمَلْكُوتِ اللَّهِ، وَمُقْنِعًا إِيَّاهُمْ مِنْ تَأْمُوسِ مُوسَى وَالْأَنْبِيَاءِ يَأْمِرُ يَسْنُوَعَ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى الْمَسَاءِ. ²⁴ قَافْتَعَ بَعْضُهُمْ يَمَا قِيلَ وَبَعْضُهُمْ لَمْ يُؤْمِنُوا، ²⁵ فَأَنْصَرُفُوا وَهُمْ عَيْرُ مُنْقَقِينَ بَعْضُهُمْ مَعَ بَعْضٍ لَّمَّا قَالَ بُولُسُ كَلْمَةً وَاحِدَةً: إِلَهُ حَسَنًا كَلْمَ الرُّوحِ الْقُدْسُ أَبَاءَنَا يَاسْعِيَاءَ النَّبِيِّ ²⁶ قَائِلًا: "اَهْبِطْ إِلَى هَذَا الشَّعْبِ وَقُلْ: سَيَسْمَعُونَ سَمْعًا وَلَا تَعْهُمُونَ وَسَتَسْتَطُرُونَ تَطْرًا وَلَا تُبْصِرُونَ." ²⁷ لَمَّا قَلَتْ هَذَا الشَّعْبُ قَدْ عَلْطَ وَيَا دَاهِمْ سَمِعُوا تَقِيلًا وَأَغْيَثُمْ أَعْمَصُوهَا. لَنَّا يُبَصِّرُوا بِأَغْيَثِهِمْ وَيَسْمَعُوا بِيَا دَاهِمْ وَبَقْهُمُوا يُقْلُوْهُمْ وَبَرْجِعُوا فَأَسْفِقُهُمْ". ²⁸ فَلَيْكُنْ مَعْلُومًا عِنْدَكُمْ أَنَّ خَلَاصَ اللَّهِ قَدْ أُرْسِلَ إِلَى الْأَمْمَ وَهُمْ سَيَسْمَعُونَ. ²⁹ وَلَمَّا قَالَ هَذَا مَصَنِي الْيَهُودُ وَلَهُمْ مُتَاحَثَةٌ كَثِيرَةٌ فِيمَا بَيْهُمْ. ³⁰ وَأَقَامَ بُولُسُ سَتَّينَ كَامِلَيْنِ فِي بَيْتِ اسْتَأْجَرَهُ لِنَفْسِيهِ، وَكَانَ يَقْتَلُ جَمِيعَ الْدِيَنِ يَدْحُلُونَ إِلَيْهِ ³¹ كَارِزاً بِمَلْكُوتِ اللَّهِ وَمُعَلِّمًا يَأْمِرُ الرَّبَّ يَسْنُوَعَ الْمَسِيحَ بِكُلِّ مَجَاهِرَةٍ بِلَا مَانِعٍ.